### **مثلثی با اضلاع متفاوت: آمریکا، روسیه و چین در شمالگان**

منبع و تاریخ: روسیه در سیاست گلوبال، 30/6/2020

نویسنده: ایلیا استپانوف، پژوهشگر درجه سه مرکز مطالعات جامع اروپا و بین الملل مدرسه عالی اقتصاد

امروز نمی توان از تضاد مستقیم منافع در شمالگان صحبت کرد- منطقه همچنان قلمرو گفتگوی صلح آمیز کشورهای شمالگان و خارج از شمالگان است. اما سال به سال تردیدها در خصوص جایگزین نداشتن همکاری و عدم وابستگی دستور کار توسعه شمالگان به بازی جهانی قدرت های برتر بیشتر می شود. چشم اندازها چیست؟

قبلا این نظر رایج بود که کشورهای ذینفع در توسعه و پیشبرد منافع خود در شمالگان «محکوم به همکاری» هستند، زیرا فعالیت در این منطقه به این اندازه دشوار، به تنهایی بعید است امکانپذیر باشد. گرمایش سریع، توسعه فناوریها و شدت یافتن رقابت جهانی اوضاع را تغییر داده است. امروز نمی توان صحبت از رویارویی مستقیم منافع در شمالگان کرد، منطقه همچنان سرزمین گفتگوی صلح آمیز کشورهای شمالگان و خارج از آن است. اما سال به سال در خصوص نبودن گزینه ای جز همکاری و عدم وابستگی دستور کار توسعه شمالگان به بازی جهانی قدرت های برتر تردیدها بیشتر می شود.

تحولاتی که در حال وقوع هستند دو عنصر ساختاری دارند. اولاً، توسعه بلندپروازی های جهانی پکن (از جمله در شمالگان) و تشدید رقابت آمریکا و چین. دوماً، افزایش تنش در روابط روسیه و غرب که به پروسه های نظامی سازی در شمالگان سرعت می بخشد و ریسک بروز مناقشات محدود را افزایش می دهد. خروج از بحران جاری [اپیدمی] اختلاف نظرهایی که قبلا شکل گرفته اند را تشدید خواهد کرد و پیامدهای آن بعید است که منطقه شمالگان را درگیر نکند. توسعه شمالگان سال به سال به مناسبات متقابل درون مثلث «آمریکا-روسیه-چین» بیشتر وابسته خواهد شد.

در این شرایط به اجبار نقش فرمت های چندجانبه فعلی همکاری در شمالگان، از جمله [نقش] شورای شمالگان، تغییر خواهد کرد. این شورا در حالی که نشست بین دولتی محسوب می شود، به صورت سنتی محلی برای تعامل در خصوص مسائل حل و فصل و توسعه منطقه است که از حساسیت کمتری برخوردارند. تحت نظارت شورا توافقنامه های همکاری در حوزه های جستجو و نجات هوایی و دریایی (سال 2011)، ایجاد آمادگی و واکنش به آلودگی نفتی (سال 2013)، و همکاری علمی بین المللی (سال 2017) منعقد شدند. مسائل امنیت نظامی و تعامل راهبردی کشورهای شمالگان و خارج از شمالگان همیشه در خارج از این دستور کار قرار گرفته اند.

محدوده مسائلی که مورد بررسی قرار می گیرند و فرمت انعطاف پذیر تعامل درون شورای شمالگان پشتوانه ای برای همکاری ثمربخش بوده اند که «سیاست بزرگ» در آن دخالت نمی کرد. اکنون که تطابق منافع راهبردی ذی­نفعان کلیدی پیوسته کمتر می شود، فقدان مجاری تعامل در خصوص مسائل امنیت نظامی در منطقه چه در داخل شورای شمالگان و چه در چارچوب سایر فرمت ها، پتانسل همکاری در همه مابقی حوزه ها را نیز محدود می کند.

نمونه بارز آن پایان دیدار وزرای شورای شمالگان در سال گذشته است که طرفها برای اولین بار در تمام طول تاریخ فعالیت شورا، نتوانستند بیانیه پایانی را به تصویب برسانند. علت آن اختلاف نظر در خصوص یادآوری مشکل تغییرات آب و هوایی در متن نهایی بیانیه بود که هیأت آمریکایی بر روی حذف آن اصرار داشت. سخنان مایک پومپئو، وزیر خارجه آمریکا نیز این دیدار را به یادماندی کرد که فعالانه روسیه و چین را مورد انتقاد قرار داد و آنها به داشتن سیاست توسعه طلبانه تهاجمی در منطقه متهم کرد.

این چرخش در لحن آمریکا مبنای مشخصی دارد. در روسیه توسعه اجتماعی و اقتصادی شمالگان همگام با پروسه های نظامی سازی مناطق شمال کشور به پیش می رود. طرف روسی فعالانه به افزایش حضور نظامی ادامه می دهد: پایگاههای نظامی رها شده دوباره بازگشایی می شوند و پایگاههای نظامی جدید ساخته می شوند، سیستم حفاظت رادیو الکترونیک گسترش می یابد و ناوگان یخشکن اتمی و نظامی توسعه می یابد. شمالگان دوباره نقش راهبردی که از زمان فروپاشی شوروی از دست داده بود را دوباره بدست می آورد، منطقه ای که از دیدگاه مقامات کشور توسعه آن با تقویت امنیت نظامی و اجتماعی-اقتصادی آن یکسان است.

سیاست شمالگان آمریکا با صراحت اقدامات روسیه (از مدتی نچندان قبل چین را نیز شامل می شود) در شمالگان را به عنوان تهدید امنیت ملی خود تشخیص می دهد. در برخی از اسناد دولت آمریکا که امسال و سالهای قبل منتشر شده اند، پکن به عنوان یک عامل مضر در شمالگان شناسایی شده است و فعالیت تحقیقاتی چین به عنوان [فعالیت] توأم با امکان استقرار مستقیم نظامی در منطقه تلقی می شود.

با تصویب «کتاب سفید» در سال 2018 مرحله اول آشنایی چین با دیپلماسی شمالگان خاتمه یافت. حالا پکن آشکارا منافع خود را در استفاده از فضاها و منابع شمالگان و در مشارکت در مدیریت منطقه تعیین می کند. چین فعالانه شبکه مشارکت های دوجانبه با کشورهای شمالگان را برقرار می کند و در زیرساخت های حمل و نقل و صنعت ایسلند و گرینلند سرمایه گذاری می کند. شریک کلیدی چین در شمال همچنان روسیه است که منطقه شمالگان آن به عنوان منبع سرشار از منابع حامل های انرژی، و در چشم انداز بلند مدت تر، [امکان] تنوع بخشی به مسیرهای تجاری با کشورهای اروپایی تلقی می شود.

اما در نقش چین در شمالگان و همچنین علاقه مندی آن به منطقه نباید اغراق شود. این ارزیابی متناسب با منافع جهانی چین است که توسعه زیرساختها و مسیرهای حمل و نقل در جنوب شرق و مرکز آسیا و آفریقا را بیشتر تحت نظر دارد و در آنها [بیشتر] سرمایه گذاری می کند. هزینه های چین برای تأمین مالی تحقیقات در شمالگان قابل قیاس با حجم سرمایه گذاری ها در فعالیت های تحقیقاتی در شمالگان نیست. چین در اواخر سال گذشته Xuelong 2 – اولین کشتی یخشکن که برای انجام تحقیقات علمی در چین ساخته شده است را به شمالگان فرستاد.

مشارکت چین در سرمایه گذاری در توسعه شمالگان روسیه به دو پروژه محدود می شود: « یامال ال ان جی » که شرکت چینی СNPC (20%) و صندوق راه ابریشم (9,9 %) در آن سهم دارند و همچنین «آرکتیک ال ان جی-2» که شرکت چینی CNOOC (10%) و CNODC (شرکت زیرمجموعه CNPC) (10%) مالکیت آن را دارند. چین فوق العاده عملگرا عمل می کند و تنها به پروژه هایی که از چشم انداز بهتری نه تنها از نظر رقابت پذیری جهانی آنها، بلکه از امکان صادرات فناوریهای چینی نیز برخوردار هستند، گرایش دارد. برای مثال بخش اعظم مبدل های حرارتی (که سرمایه بر ترین بخش پروژه های تولید گاز طبیعی مایع است) مورد نیاز برای «یامال ال ان جی» در چین تولید شد.

همین ده سال قبل مقامات روسیه نگاه تردید آمیزی به نزدیک شدن به چین در منطقه داشتند. در سال 2012 طرف روسی مانع تردد کشتی های تحقیقاتی چینی در اقیانوس منجمد شمالی شد و یک سال بعد از آن با عضویت چین به عنوان عضو ناظر در شورای شمالگان مخالفت کرد. در سال 2014، زمانی که شرکت چینی CNPC سهامدار مهمترین پروژه روسیه در شمالگان در زمینه تولید گاز طبیعی مایع و حمل و نقل آن به نام «یامال ال ان جی» شد، وضعیت تغییر کرد. وخیم شدن روابط روسیه با غرب و وضع تحریم ها که مستقیما دسترسی پروژه های روسیه در حوزه انرژی به فناوریها و منابع مالی غربی را محدود کردند، موجب ادامه نزدیک شدن روسیه به چین شد.

با این حال این ادعا بسیار اغراق امیز خواهد بود که راهبردهای روسیه و چین در شمالگان کاملا تکمیل کننده یکدیگر هستند. چین در سطح دیپلماتیک بر نقش جهانی شمالگان به عنوان دارایی کل بشریت اصرار می ورزد که اختلاف شدیدی با موضع روسیه در خصوص حقوق استثنایی کشورهای شمالی در قلمرو شمالگان دارد. چین با پیشنهاد سیستم مدیریت داخلی شمالگان، با توجه به وزنی که در اقتصاد جهانی دارد، غیرمستقیم و متواضعانه مدعی یکی از نقش های رهبری در مدیریت منطقه است که به وضوح با منافع مسکو اختلاف پیدا می کند.

در عین حال مشخص است که اختلاف نظرهای انباشته شده و سطح بالای تنش زایی در روابط روسیه-آمریکا و چین-آمریکا تضمین می کند که مثلت «آمریکا-روسیه-چین» در سالهای آینده نزدیک همچنان از اضلاع برابری برخوردار نخواهند بود. بخصوص در شرایط خروج از بحران پیدمی کووید 19، تمامی دلایل وجود دارند که فرض کنیم که نزدیک شدن روابط روسیه و چین در شمالگان ادامه خواهد یافت. احتمالا با سرعت بیشتری نسبت به گذشته ادامه خواهد یافت، زیرا افت اقتصاد روسیه موجب آن خواهد شد. در زمان بحران به اجبار مدت اجرای پروژه های صنعتی و ساخت برخی از تأسیسات زیربنایی مورد بازبینی قرار می گیرد، همانگونه که قبلا نیز بارها این اتفاق افتاده است. نیاز به همکاری با چین در سرمایه گذاری و فناوری، حتی تا حدودی به بهای لطمه به استقلال فناورانه و اقتصادی روسیه، به سرعت افزایش خواهد یافت.

پاندمی و بحران جهانی تنها موجب تشدید رویارویی بین چین و آمریکا خواهند شد. در حالی که اقتصاد چین نسبتا به سرعت در حال احیاء شدن است، خروج طولانی از بحران در برخی از مناطق به منزله فرصتی برای پکن است تا نفوذ جهانی خود را از طریق ارائه منابع مالی و کمک بشردوستانه توسعه بدهد. در آمریکا لفاظی و دیپلماسی ضد چینی ممکن است مبنای تبلیغات انتخاباتی دونالد ترامپ را تشکیل بدهد. حتی در صورتی که او انتخاب نشود، رویارویی چین و آمریکا در دهه های آینده همچنان به عنوان عنصر ساختاری روابط بین المللی باقی خواهد ماند و بنابراین [این رویارویی] در منطقه شمالگان که به سرعت در حال جهانی شدن است نیز بروز خواهد کرد.

### [**https://globalaffairs.ru/articles/treugolnik-v-arktike**](https://globalaffairs.ru/articles/treugolnik-v-arktike)